

تجربه شکست خورده، حاکمیت های ناپایدار و رهبران سرکش کدام گزینه در امر موفقیت در میهن ما برای دیگران قابل قبول خواهد بود؟ کی ها نگران نزاع بر سر "تاج و تخت" در کشور ما می باشند؟

**چگونگی استفاده از سرزمین ما در قبال رقبای ژئوپولیتیک
ضرورت توقف چرخه مخرب معافیت از مجازات در کشور
تروریست های "خراسان" و چشم انداز تهدیدهای جهانی
افغانستان در تیررس اداره و اشنگتن**

در برابر دو بحران، سینه به سینه ایستاده ایم. جنگ راهبردی بین المللی و بهم ریختگی داخلی. در سطح داخلی، از رهبر سیاسی تا روشنفکر و قلمدار، خودآگاه و ناخودآگاه، هنوز هم زیرکوهی از قیاس ها و پندارهای صدها سال قبل خوابیده ایم. بآینده چنگ می زنیم، از دست ما درمی رود. برای بانوان و سایر شهروندان آینده که در صحنه کشمکش ها، مأموریت های سیاسی و اجتماعی را بر عهده می گیرند، دانستن اینکه بحران و شکست و ریخت ها، سنن و آداب سیاسیون، گرایش های قدرتمندان و فرهنگ سیاسی چه قانونمندی و ناقانونمندی هایی را پشت سر گذاشته، می تواند در تولید احساس عبرت و تجربه، کارساز باشد. در شرایطی نفس می کشیم کازجانب دیگران، در هستی ما آتش افروخته شده و در چنین کارزاری، راه خود را خود گم کرده ایم. تاریخ ما در واقعیت امر، فرار ازین آتش می باشد. راه چاره اینست که سرنوشت خود را با قدرت های بازیگر گره زنیم تا نتوانند در زمین ما، منافع و اولویت های حیاتی ما را فراموش کنند. ما در جنگ با قدرت ها هیچ موردی را بمنظور ایجاد پایه های یک زندگی و فرهنگ بهتر بدست آورده نتوانسته ایم. در واقعیت امر برای دیگران جنگیدیم. نیاز تاریخی ما پرورش قدرت و ظرفیت همسویی با دیگران می باشد. همین قدرت ها، نسل هایی از شهروندان کشور ما را با هم جنگانیدند؛ برنده های جنگ های گرم و "سرد" شدند و آخر کار، در بیابان بگونه بیرحمانه ای رها شدیم تا گوشت یکدیگر را بدنشان بگیریم؛ خون همدیگر را بریزیم. آنچه از دستاوردهای "جهاد" بما رسید، همین بود. اکنون نباید مغز خود را پارچه "جهاد" فرمایشی از سوی پاکستان و ایران قرار دهیم. تاریخ درس سختی بما داده است. نیاز به همگرایی با قدرت هایی داریم که حاکمیت های موجود در پاکستان و ایران را نیز بمرور زمان و گام بگام زیرپاشنه های خود له می نمایند. به مغز سرد، واقعیت نگری و نان و کارنیار داریم. نوعیت حوادث تاریخی کشور ما با دیگران تفاوت ماهوی ندارد. این قدر است که از زمان عقب افتاده ایم. باز هم از روی عادت ژنیتیکی، همه چیز و سایر موارد را با چشم دیروز می بینیم، دیروزیکه انباشته از تأسف هایی بی پایان می باشد.

بررسی واقعیت ها و چگونگی سرهم بندی اقدامات و عملکردهای تخریبی، بویژه در امتداد نیم سده پشین، سبب گردید تا کشور عزیز ما بمتابه منبع ناآرامی ها و خطرات ناشی از تهدیدهای تروریستی و افراط گرایانه در منطقه بشمار آید. تذکر این نکته لازمی بنظر می رسد که با بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در کشور در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۰ خور شیدی، در کنار آنکه از چگونگی تأمین امنیت در کشور سخن رانده می شود، اما تداوم ابهام در توسعه بیشتر رویدادهای موجود، از جمله موجودیت و حضور گسترده دسته بندیهای تروریستی و باندهای قاچاق مواد مخدر در اراضی متعلق به کشور عزیز ما افغانستان را می توان از جمله عوامل شکل گیری و سرهم بندی تهدیدها و مخاطرات گفته آمده در فوق پنداشت. قابل تذکر پنداشته میشود که آشفتگی و درهم و برهمی ژئوپولیتیک کنونی و موقعیت حساس و کلیدی کشور عزیز ما، حتا امکانات فوق العاده وسیع و گسترده ای را بمتابه بستری بمنظور درگیریهای جهانی فراهم نمود. در شرایط و وضعیت حاضر، با انکشاف اوضاع، شکل گیری سناریوهای متعددی را پیشبینی مینمایند که در نوع خود میتواند در کاهش و یا تشدید تهدیدهای تروریستی و شکلگیری خطرات امنیتی نیز مؤثر واقع گردند. بخاطر ما باشد که

در حال حاضر و اوضاع و احوال موجود، اصل برسمیت شناختن "طالب"ها و کارسازنده و مطابق واقعیت های موجود، به خط اصلی سیاست و دیپلوماسی برخی از کشورها مبدل گردیده است. گفتنی است که وضعیت موجود و چگونگی های حاکمیت کنونی در جغرافیای مربوط بکشور عزیزما را بمثابة واقعت غیر قابل انکار باید پذیرفت تا بیش از پیش بانزوای بین المللی کشور عزیزما نقطه پایان گذاشت. مسایل و موارد مربوط بسیاست داخلی کشور، از جمله وضعیت حقوقی و موقف اجتماعی بانوان کشور، تحصیلات و معضل اشتغال آنها در جامعه افغانی در داخل اجتماع و باید توسط حاکمیت موجود در کشور حل و فصل گردیده و در زمینه با اقدامات عملی و سازنده ای متوسل گردند. درباره مشکل و معضل حقوق بشر در کشور ما که توسط کشورهای غربی بگونه دقیقی بآن اشاره شده است، بایست یاددهانی بعمل آید که کشور عزیزما افغانستان از نخستین کشورهای بحساب می آید که به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مؤافقتش را ابلاغ نمود که وضعیت اینچنینی، رهبری کشور را بگونه ای مؤظف و مکلف به پابندی و احترام به نصوص و مواد مندرج در اعلامیه یادشده می نماید، اما وضعیت آشفته و بحرانی سازمان ملل، بازگوی این واقعیت می باشد که تعداد بسیار زیادی از اسناد مشابه و حتا سند های مهمتر از آن نیز در سراسر جهان اصلن نادیده گرفته شده و بآنها وقعی قایل نمی گردند که حاکمیت کنونی در کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نمی باشد.

ببینید، اصطلاحات و ترمینولوژی های گونه گونه و مختلفی، بویژه در وضعیت کنونی که بنحوی از انحاء بمثابة کلیشه های مصنوعی ابداع گردیده که بویژه کشورهای غربی و برخی از کشورهای دیگر سعی می ورزند تا از آنها بمثابة آله بر وضعیت حاکم کنونی در جامعه استفاده نمایند. در مناسبات بین المللی واصل پذیرفته شده در حقوق بین الدول می باشد کاکراز چگونگی حاکمیت و نوع رژیم سیاسی سخن بمیان می آید، این بمفهوم مطالبه و خواست آن نمی باشد، بلکه آنرا از راهها و طرق توصیه و ابراز آرزومندی مطرح بحث قرار می دهند. اما بخاطر باید داشت که ترکیب و ساخت و ساز حاکمیت دولتی در محدوده هر کشوری از جمله مسایل و موضوعات داخلی آنها محسوب می گردد. یاددها نی این مساله در خور اهمیت پنداشته می شود که اصل فرآگیر بودن از این واقعیت ناشی می گردد که دولتی که بنما یندگی از طیف وسیع اجتماعی وارد عرصه گردیده و بر بنیاد منافع کشور و مصالح جامعه، عملکردهایش را سروسا مان داده و بر بنیاد واقعیت های موجود، خودش را عیار نماید که در نتیجه نهایت امر، ثبات و تداوم بیشتری خواهد داشت، اما سهمگیری و مشارکت نیروهای سیاسی و قومی مختلفی در مجموع حاکمیت سیاسی میتواند بمثابة عاملی بمنظور ثبات بیشتر حاکمیت سیاسی در کشور پنداشته شود.

تذکر این مساله لازمی پنداشته می شود که ممنوعیت تبلیغات بویژه از جانب عوامل خارجی و برون مرزی، چگونه عمل خواهد کرد. پس از خروج نظامیان خارجی از اراضی متعلق بکشور عزیزما، چه درس هایی باید آموخت؟ برخی ها چنین می پندارند که فراخواندن نظامیان خارجی بشیوه ای که اتفاق افتاد، اصلن لزومی نداشت، چه با چنین اقدامی، پیامدهایی که با خود بدنبال داشت، منجر به تکوین تغییرات غیر قابل پیشبینی گردید. بسیاری ها قواعد زندگی را تنظیم نموده و چنین می پندارند که انسان ها منابع نامحدودی در اختیار دارند که بگونه عاقلانه از آنهاهمه منابع موجود باید استفاده بهینه بعمل آید.

بخاطر ما باشد که ایالات متحده و هم پیمانانش بر بنیاد منافع منحصر بفرد شان از اصل "برسمیت شناختن"، سو استفاده می نمایند.

در کنار مسایل موجود، بمساله امنیتی و مشکلات موجود در مورد باید نهایت توجه بعمل آید. مسایل امنیتی در کشور عزیزما در واقعیت امر بمثابة مشکل و معضل فرامرزی پنداشته می شود. وضعیت کنونی تحت حاکمیت "طالب"ها در کشور، امکان آغاز تطبیق عملی برخی از برنامه های حمل و نقل و انتقال انرژی برون مرزی را فراهم مینماید که اجرا و تطبیق عملی آن سبب ساز ایجاد تحرک توسعه و انکشاف اقتصادی کشور خواهد گردید. برخی ها هم چنین می پندارند که اصلن "طالب"ها، "داعش" را نه تنها بمثابة رقیب ایدئولوژیک، بلکه بمثابة جنبش بیگانه و پدیده وارد شده از خارج کشور می پندارند که در صدد سوق دادن افغانستان به فاجعه دیگری می باشند. بیاد ما باشد که در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی با بقدرت رسیدن "طالب"ها در کابل، محافل و گروه های رادیکال در سراسر جهان، از سروروشادمانی در لباس های شان نمی گنجیدند، چه آنها، مؤفقت یادشده را بمثابة نمونه مؤفقی برای کل امت اسلامی عنوان نمودند. اما در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، هیجان و شور و شوق یادشده بمقیاس وسیعی فروکش نموده است. برین بنیاد، برخی از احزاب تندرو، "طالب"ها را بدلیل متوقف شدن در چهار چوکات اراضی و سرزمین متعلق به افغانستان و تحدید اصل جهاد در مرزهای کشور ما، سبب ساز محروم گردیدن جهادگران در غرب چین، آسیای مرکزی و فلسطین گردیده، مورد سرزنش و ملامتی قرار می دهند.

و اما چنین سروصدای هابی نیز موجود می باشد که نیروهای رادیکال و بنیادگرای موجود در منطقه، بیاری "طالب" ها و به کمک های مستقیم و گسترده آنها بمنظور از میان برداشتن "مرزهای استعماری" و بازگرداندن "حکومت اسلامی" امیدوار بودند، اما اقدامات و نحوه عملکردهای آنها، بخودی خود، نشاندهنده حمایت از دشمنان شان تلقی گردیده که سبب سازگمراهی مسلمانان در کشور ما می گردد.

این سناریوی نسبتن خوشبینانه بشرطی امکان پذیر پنداشته میشود که هیچکدام از بازیگران خارجی تلاشی بمنظور بی ثبات نمودن اوضاع در کشور ما، از جمله از استفاده و بکارگیری نیروهای نیابتی، بگونه نمونه گروههای تروریستی بین المللی که دسته بندی های مشخصی را در موضع مخالف "طالب" ها قرار می دهند، انجام نداده باشند. در وضعیت کنونی و شرایط موجود، هیچکدام از نیروهای یاد شده، اصلن تهدید قابل توجهی بمنظور برهم زدن ثبات در کشور ما بوجود نمی آورند. بگونه کلی، عملکردهای آنها در برگیرنده انجام اقدامات انفرادی تروریستی می باشد، اما اقدامات یاد شده را می توان بمتابیه عملکردهای تروریستی پنداشت.

سناریوی دوم، بگونه ای بدبینانه پنداشته می شود. بازیگران خارجی و برون مرزی، چندان هم بدشان نمی آید تا درصد آن گردند که با استفاده از عدم اطمینان دراز مدت در کشور ما بهره برداری نموده و نیروهای مخالف "طالب" ها و یا دسته بندی های تروریستی را از رهگذر مسایل مختلفی، از جمله تأمین مالی نیز کمک نمایند که در نتیجه با افزایش فعالیت ها و عملکردهای آنها بی ثباتی و عدم امنیت در کشور گسترش یافته و نوع همکاری های اقتصادی افغانستان با سایر کشورهای منطقه بگونه قابل ملاحظه ای کاهش یافته و در نتیجه، انزوای منحصر بفره کشور، متلاشی شدن درونی "طالب" ها و خطر رادیکالیزه شدن "طالب" ها را بمفهوم وسیع کلمه بدنبال داشته باشد که در وضعیت اینچنینی، خطر ادغام و مزج شدن "طالب" ها در محیط و اتمسفر تروریستی بین المللی را نیز نمی توان بعید پنداشت.

چنانچه وضعیت یاد شده با دهه های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ خورشیدی در کشور ما، شباهت هابی را بهم می رساند. در واقع امر، بر بنیاد سناریوی یاد شده، آنچه در مدت زمان متذکره اتفاق افتاد، بگونه تکراری شاهد آن خواهیم بود. در چنین وضعیتی، تمامی آرزومندی ها بمنظور حل و فصل تدریجی و مطمئن مسایل موجود نقش بر آب خواهد گردید و باز هم اراضی و سرزمین متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، بمتابیه عرصه مساعد و محل امنی بمنظور سرهم بندی نمودن تحرکات تروریستی بین المللی مبدل خواهد شد.

نشانه های توسعه و گسترش اینچنینی رویدادهای موجود در کشور، عملن موجود می باشد. در مورد احتمال تکوین سناریوهای یاد شده و چگونگی جلوگیری و مقابله با آنها، قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد ماه اسد سال ۱۴۰۳ خورشیدی، طرحی تحت عنوان قانون جلوگیری از بقدرت رسیدن دولت های تروریستی از جانب جمهوری خواهان به کنگره ایالات متحده ارائه گردید که بر بنیاد آن، "طالب" ها بمتابیه "حامی تروریزم و یک دسته بندی تروریستی" معرفی می گردید. همچنان از علاقمندی های ایالات متحده مبنی بر ارائه حمایت های نظامی و معاونت های اقتصادی به "نیروهای مقاومت مخالف طالب ها در افغانستان"، نیز نباید چشم پوشی بعمل آید.

اقدام به تأمین مالی مخالفان مسلح "طالب" ها، بنوبه خود سبب سازتشدید و گسترش بیش از پیش اقدامات مسلحانه در اراضی متعلق بکشور عزیز ما خواهد گردید که در نهایت امر، منطقه ما با طیف وسیعی از تهدیدها و شانتاژها مواجه خواهد گردید.

واشنگتن و متحدان آن بمنظور آغاز و تکوین وضعیت اینچنینی از منابع کافی و وسیعی در امر انجام عملکردهای یاد شده برخوردار می باشند.

در شرایط کنونی، با در نظر داشت وضعیت داخلی، منطقوی و بین المللی، چنین فرصتی اصلن میسر و مهیا نخواهد گردید تا از اطمینان کامل در مورد محتمل بودن امکان معکوس گردیدن سایر فرآیندهای موجود بسمت و سوی یک سناریوی کاملن خوشبینانه، سخنی در میان باشد. اما با وجود اینهمه، صحبت در مورد احتمال بازگشت به سناریوی منفی اصلن مطرح بحث نمی باشد.

یکشنبه ۲۸ ماه دلو سال ۱۴۰۳ خورشیدی، برابر با ۱۶ ماه فیروزی سال ۲۰۲۵ ترسایبی